

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور با تکیه بر مبانی دینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

جواد منزوی بزرگی^۱

سجاد حبیبیان^۲

چکیده

تحقیقاتی که تاکنون درباره وظیفه منتظران در عهد غیبت کبری و بایسته‌های فرهنگی آن منتشر شده، بیشتر ناظر بر تکالیف فردی و اخلاقی شخص منتظر بوده و درباره ویژگی‌های یک تمدن که ویژگی‌های زمینه‌سازی ظهور را داشته باشد، کمتر سخن به میان آمده است در حالی که در خصوص زمینه‌سازی ظهور و تمدن زمینه‌ساز در مبانی دینی (احادیث) تأکیدات فراوانی شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود: «آیا زمینه‌سازی فردی، شرط لازم و کافی برای ظهور است یا اینکه باید تمدنی زمینه‌ساز، برای ظهور شکل بگیرد؟» در این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم. تمدن زمینه‌ساز چه ابعاد و مؤلفه‌های باید داشته باشد تا تحمل حاکمیت معصوم و بسط ید او را در خود فراهم کند و مهیای پذیرش ولایت معصوم شود. مسیر دست‌یابی به سطح عالی این ظرفیت، التزام تمدن زمینه‌ساز به مسئولیت‌های دینی، با هدف فراهم کردن بسترهای ظهور امام زمان علیه السلام است. در این مقاله سعی شد، با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تفسیری و با اتکا به مبانی دینی و بیانات مقام معظم رهبری ابعاد و مؤلفه‌های تمدن

۱. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) (j.monzavi@sndu.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه شاهد.

زمینه‌ساز ارائه شود در این تحقیق ۱۲ مولفه از مقام معظم رهبری برای تمدن زمینه‌ساز ارائه شده و هم‌چنین به‌طور کلی نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه‌سازی فردی، شرط لازم و کافی برای ظهور نیست بلکه باید تمدنی زمینه‌ساز شکل گیرد و مهم‌ترین ویژگی این تمدن آن است که رسالت امر امام عصر^{علیه السلام} بر زمین نماند و رسالت تمدن زمینه‌ساز، آوردن حق است و در نهایت مولفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور ذیل سه بعد معرفتی، عاطفی و رفتاری بیان گردید.

واژگان کلیدی

زمینه‌سازی، تمدن زمینه‌ساز، ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز، بیانات مقام معظم رهبری.

مقدمه

همواره مهدویت در قرون گذشته، رمز حیات و هویت شیعه بوده و نزد شیعه، فرهنگی عمیق و استوار به شمار آمده است. تاکنون درباره وظیفه منتظران در عهد غیبت کبری و بایسته‌های این فرهنگ، آثار بسیاری منتشر شده که بیشتر ناظر بر تکالیف فردی و اخلاقی شخص منتظر است. این در حالی است که درباره ویژگی‌های یک تمدن که ویژگی‌های زمینه‌سازی ظهور را داشته باشد، کمتر سخن به میان آمده است. شاید در نظر برخی، دوران غیبت با دوران ظهور آن حضرت، تفاوت ماهوی دارد و تمدن زمینه‌ساز ظهور، در تمدن آینده تجلی پیدا می‌کند. باید گفت براساس دلایل گوناگون، این تصویرها کار نابه‌جا و از نظر مبنایی نادرست است؛ زیرا از ائمه^{علیهم السلام} درباره زمینه‌سازی و آمادگی برای فرج، احادیث و روایات بسیاری بیان شده که از جمله از آن‌ها می‌توان به شماری از احادیثی اشاره کرد که از امام صادق^{علیه السلام} نقل شده است: «هر صبح و شام منتظر فرج باش»، «خودتان را برای قیام قائم آماده سازید» و نظایر آن. بنابراین، رسالت بزرگ منتظران در عصر غیبت، زمینه‌سازی برای ظهور است. شیعیان، مسلمانان و جهانیان، با غیبت امام دوازدهم، دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای برون‌رفت از این محرومیت، چشم انتظار به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاده؛ انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه‌سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت. آمادگی و زمینه‌سازی برای همه خوبی‌ها به شکل‌گیری مدنی‌نیاز است که پذیرای سه بُعد معرفتی (نگرش)، گرایشی (احساس) و رفتاری (کنش)

زمینه‌سازی باشد.

به عبارت دیگر، می‌توان فرض بر این گرفت که تمدن زمینه‌ساز از نظر ابعاد سه‌گانه معرفتی، گرایشی و رفتاری، به وضعیتی باید برسد تا پس از ظهور امام عصر علیه السلام، امرایشان بر زمین نماند. اساساً شیعه در عصر غیبت، می‌تواند تمدنی با هدف زمینه‌سازی یا همان جامعه منتظر را شکل دهد. به سخن دیگر، تمدن زمینه‌ساز، زمینه‌ساز حق در جامعه است و خداوند متعال از وعده قطعی خود تخلف نمی‌کند و از حجتش چشم نمی‌پوشد.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق، بررسی «ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور» و تبیین فرآیند شکل‌گیری تمدن زمینه‌ساز، با تکیه بر مبانی دینی و استفاده از بیانات مقام معظم رهبری است تا در جهت معرفی نظریه برای محققان، برای استمرار آن در ابعاد میدانی و کاربردی، زمینه‌های علمی لازم نیز فراهم شود.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و هدف تعیین شده، روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تحلیلی-تفسیری است. براساس این روش، با مراجعه به منابع اسلامی (قرآن و سنت)، بیانات مقام معظم رهبری و استفاده از سبک صحیح و معتبر استنباط و تلاش و پوییش فکری و عقلانی، سعی شده است ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز، کشف و از این راه، وصول به هدف تحقیق میسر شود.

پرسش‌های تحقیق

ابعاد تمدن زمینه‌ساز ظهور از نگاه رهبری کدامند؟
مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور از نگاه رهبری کدامند؟

ادبیات تحقیق

تعریف واژگان تحقیق

زمینه‌سازی ظهور: زمینه‌سازی در لغت به معنای فراهم کردن بسترها و مقدمات امری است. بر این اساس، زمینه‌سازی ظهور به معنای فراهم کردن مقدمات ظهور و بسترهای لازم برای ظهور است؛ یعنی فراهم کردن آن‌چه به واسطه آن، حاکمیت معصوم تحقق می‌پذیرد و امام

بسط ید پیدا می‌کند و امرش نافذ می‌شود. (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۱) زمینه‌سازی ظهور، یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور، به گونه‌ای که وضعیت برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خویش را آغاز کند و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد. (پورسید آقایی، ۱۳۸۸: ۲۰)

عصر انتظار: منظور از عصر انتظار، دوران غیبت (کبری) منجی عالم بشریت است. اکنون ما در این برهه زمانی قرار داریم و با توجه به آموزه‌های دینی‌مان باید زمینه‌های لازم برای ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام فراهم شود. از این رو، در این مقاله، با توجه به گستردگی زمینه‌سازها، به یکی از این زمینه‌سازها به نام اخلاق پرداخته می‌شود که برای کارگزاران نقش مهمی دارد.

حکومت جهانی: حاکمیت بر جهان هستی، تنها از آن خداست. در واقع، اراده الهی بر سراسر گیتی، حاکم و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و تمام ارکان و عناصرش در ید قدرت لایزال الهی قرار دارد و هم اوست که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی این‌که خداوند سبحان، حاکمیت خویش را در تدبیر جامعه به انسان واگذاشته که آن نیز تجلی اراده خداست. در حقیقت، تحقق حاکمیت خدا روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او را نیز امت به جایگاه و منصب رهبری انتخاب می‌کند. در چنین تمدنی، عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به مسیر کمال هدایت می‌کند (عرفانی، ۱۳۸۶: ۹۴). ادیان، خصلتی جهانی دارند. پیام الهی به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، شامل همه انسان‌ها می‌شود. تنوع ادیان آسمانی، نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه به دلیل ویژگی‌های عصری آنهاست. پیام الهی واحد است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾. (آل عمران: ۱۹)

در نتیجه، مخاطب آن نیز تمام انسان‌ها هستند. از این رو، مهدویت اسلامی نیز هرگز به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی تعلق ندارد و گستره جهانی تدبیر الهی، شامل همه انسان‌هاست. (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۵)

تمدن زمینه‌ساز: تمدن زمینه‌ساز در جمله‌ای کوتاه، یعنی «ایجاد تمدن اسلامی». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

تعریف تمدن

۱. بررسی تعریف‌های تمدن در ادبیات غربی

واژه تمدن به تلقی‌های گوناگون از حالت‌های جامعه انسانی می‌پردازد. اشاره به تکامل و شکل‌گیری روابط بشری، یکی از جنبه‌های رایج این کلمه در زبان ادبی است. تمدن از واژه لاتین «Civilis» گرفته شده که معادل کلمه «POLEIS» یونانی قدیم است. تمدن «Civilisation»، اسم مصدر «Civil Ser» یعنی متمدن کردن است. یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی تشکیل می‌دهد که سازنده شکل برتری از زندگی است.

درباره ارتباط مفهومی تمدن با مدینه (شهرنشینی) نباید تصور کرد که تمدن به معنای شهرنشینی، به آن شکل از زندگی انسان‌ها گفته می‌شود که درست در برابر چادرنشینی یا بیابان‌گردی قرار دارد. چنین پیوندی میان تمدن و مدینه، با آن‌چه در کاربرد اصطلاحی این واژه مورد نظر اندیشمندان و مورخان است، تطبیق ندارد. در واقع، رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است، نه ظرف و مظلوف.

۲. بررسی تعریف‌های تمدن در ادبیات فارسی

تمدن در ادبیات فارسی، به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن است. در جای دیگر، تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز آمده است. (معین، ج ۱: ۱۱۳۹)

تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در دوره‌ای تاریخی، در منطقه‌ای جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دست‌آوردهای خاصی داشتند. در این تعریف، سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی تأکید می‌شود که دوره تاریخی می‌تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می‌تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد. عنصر دیگر، تعریف دست‌آوردها هستند که بدون آن، تمدن معنای خود را از دست می‌دهد و همچنین یک جامعه بی‌هدف در تعریف تمدن نمی‌گنجد.

در ادامه، تعریف‌های متفاوت و فراوانی برای تمدن مطرح شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «مجموعه اعمال و آرایی است که در هر جامعه افراد انسانی از بزرگ‌ترها فرا می‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند».

- «نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دست‌آوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب، رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند».

- «نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه‌دارنده آن می‌باشد و نظامی است، اقتصادی که با تداوم تولید پایدار خواهد ماند».

- «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی».

- «مجموعه اندوخته‌ها و ساخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان».

- «حاصل و نتیجه معرفت‌ها و مهارت‌هایی است که نسل‌های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته‌اند».

- «مجموعه پدیده‌های اجتماعی که وابسته به ارگانسیم اجتماعی خاص نیست. این پدیده‌ها در فضاهایی جریان دارند که از مرز اصلی در می‌گذرند و در مقاطعی از زمان تحول می‌یابند که فراسوی تاریخ یک جامعه معین جریان می‌یابد».

- «برآیند شناخت ادراکی (تفکر) و شناخت عاطفی (هنر) انسان است».

- «تشکیل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت».

- «تمدن به معنای گسترده آن، یعنی نه فقط رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه، بلکه هم‌چنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت، به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر بکشد» (اخویان، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۰)

زمانی که بشر با خط آشنا شد، قلم به دست گرفت، افکار خود را قلمی کرد و به نسل‌های بعد انتقال داد، تمدن پدیدار شد. پس از آن، واژه تمدن بر انواع پیشرفت‌ها در مظاهر متنوع زندگی بشر، گفته شده است. (مجیر شیبانی، ۱۳۳۷: ۵) تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به‌طور خلاصه، روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (سلیمی، ۱۳۹۱: ۳). در فرهنگ‌های عربی، واژه تمدن به معنای حضارۀ (تمدن، شهرآیینی) نقطه مقابل بدات (بادیه‌نشینی) به کار رفته است. (زمخشری، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹م: ۱۳۰؛ محمدکاظم مکی، ۱۳۸۳: ۱۴)

ابن خلدون، حالت اجتماعی شدن انسان را تمدن نامیده است. برخی دیگر گفته‌اند: تمدن مجموعه‌ای از عوامل معنوی و مادی است که با ایجاد فرصت برای جامعه و ادغام

عرصه‌های زندگی، زمینه همکاری لازم را در راستای رشد و توسعه اجتماعی، فراهم می‌سازد. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۷۳)

از نظر «ویل دورانت»، تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان‌پذیری خلاقیت فرهنگی است. به اعتقاد «هنری توماس» نیز تمدن، پدیده‌ای به هم‌تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود. به طور کلی، واژه تمدن، بیانگر مراحل معین تحول اجتماعی (نبوی، ۱۳۷۳: ۹-۱۶) و ثمره نبوغ اقلیت نوآور است. (البلبکی، ج ۳: ۲۸)

در نگاه جامع، واژه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مَدُن» و «مدنیت»، به معنای خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در جهت نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهادهای حکومتی، نظم‌پذیری، شهرنشینی، تعالی فضایل انسانی، همانند علم و هنر، از نشانه‌های مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است. هانتینگتون، تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند:

تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۳)

فریدمن، اقتصاددان فقید که با مسائل سیاسی آشناست، معتقد است «اگر اقتصاد و سیاست از یکدیگر جدا شوند، توسعه، تمدن‌سازی و رشد بالا، به طور جدی امکان‌پذیر خواهد بود، اما اگر سیاسیون بر اقتصاد جهان حاکم شوند یا حکومت‌ها و دولت‌ملت‌ها، بر اقتصاد سیطره یابند، امکان رشد گرفته خواهد شد. در نتیجه، باید آزادی فردی ملاک باشد. تمدن، محصول آزادی است و آزادی و خلاقیت فرد است که گذار از اجتماعات بدوی، به سوی تمدن را ممکن می‌سازد. (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۲۰-۱)

تمدن از نگاه مقام معظم رهبری «تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی. تمدن اسلامی، یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است. تمدن براساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است، یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

با تأمل در این تعریف‌ها می‌توان گفت هرکس با رویکردی خاص، تمدن را تعریف کرده است که سرجمع همه آن‌ها از این حقیقت حکایت دارد که «تمدن»، مجموعه دست‌آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است، یعنی از آن هنگام که آدمی به رشد و تعالی روی آورد، هم به نیازهای حیاتی جسمانی و هم به احتیاجات معنوی خویش توجه کرد. از این رو، کوشید به هر دو نیاز جدی، پاسخ بدهد و آن‌ها را اقلان کند. حاصل این کوشش، دست‌آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بود که ما آن را تمدن می‌نامیم (اخویان، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۲). ولی تمدن در بیانات مقام معظم رهبری همراهی علم با اخلاق، مادیات، همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی، همراه با عدالت بود و نکته اساسی تعریف در دین است که برگرفته از دین اسلام و مکتب تشیع است که در آن شیعه موظف به زمینه‌سازی ظهور است.

۳. ویژگی‌های تمدن

تمدن، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نظام‌مندی تمدن: اگر ارکان تمدن در عرصه مادی و معنوی از روش‌مندی، قانون‌مندی، انسجام و انتظام، برخوردار و با هدف اصلی آن، هماهنگ باشد، تمدنی شکوفا خواهد بود. اگر در این تمدن، اندوخته‌های مادی و معنوی، پاسخگوی درست، منظم و هدفمند نیازهای واقعی جسمانی و روحانی بشر باشد و بتواند میان برطرف ساختن حواجی این دو بعد، پل ارتباطی ایجاد کند، یقیناً توسعه کمی و کیفی آن میسر خواهد شد. اگر این اندوخته‌ها، منظم نباشد و بدون ارتباط، حد افراطی و تفریطی خود را بپیمایند، بی‌گمان، عمر چنین تمدنی کوتاه خواهد بود.

پویایی تمدن: بی‌شک، تمدن برای انسان است و به دلیل آن که انسان نیازهای متغیری دارد، باید تمدن در درون خود، ساز و کاری داشته باشد که بتواند به این نیازها در طول زمان پاسخ دهد و برای این پاسخ‌دهی باید در عین وفاداری به اصول پایدار خویش، تغییر لازم را در اندوخته‌های مادی و معنوی صورت دهد تا به پاسخ روزآمد و کارآمد بشر دست یابد. این دگرگونی‌ها که با پالایش، تعمیق و بازنگری دست‌آوردهای مادی و معنوی بشر دست‌یافتنی است، سبب شکوفایی و ماندگاری تمدن خواهد شد.

جهان‌گردی تمدن: شکوفایی تمدن به این نیست که در مرزهای فکری و مادی خود بماند، بلکه باید با حرکت در بیرون از چارچوب‌های خود، به تمدن‌های دیگر نیز توجه کند و نقاط سودمند آن‌ها را که با اصول ثابت خویش در تضاد نیست، بگیرد و در اندوخته‌های مادی و

معنوی خویش هضم کند. ارتباطات و تبادلات اطلاعات سبب افول تمدن نمی‌شود، بلکه زمینه را برای توسعه کمی و کیفی آن فراهم می‌سازد.

همبستگی: تمدن در مسیر پیدایش و اعتلا، نیازمند همبستگی است. این موضوعی است که ابن خلدون از آن با واژه «عصبیت» یاد کرده است. عاملی که انگیزه را برای همکاری میان یک ملت، امت یا گروه شکل می‌دهد و سبب می‌شود تا انسان‌ها در پی‌ریزی و گسترش تمدن مشارکت کنند و در برابر سختی‌ها و فشارها بایستند. (مرادیان، ۱۳۹۱: ۵۱)

۴. مؤلفه‌های اعتلای تمدن

ایجاد و اعتلای تمدن از مؤلفه‌های خاصی تبعیت می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نظام ارزشی: تمدن برآیند حرکت تکاملی و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند، اما رفع نیازهای معنوی که زیربنای زندگی و اساسی‌ترین بُعد تمدن انسانی است و هرگز در توان محدود بشر نیست، بلکه در قلمرو انتظارات بشر از دین قرار می‌گیرد. بنابراین، تمدن خاستگاه الهی - بشری دارد. همان‌گونه که اندیشه خلاق انسان، عامل شکوفایی تمدن است، نقش آموزه‌های دین در پدیداری و اعتلای تمدن، به مراتب تعیین‌کننده‌تر است. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد، دین در همه این امور نقش بسیار اساسی دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد مراکز مربوط به آیین‌ها و شعایر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده‌اند که بیانگر نقش مستقیم دین در تقویت هویت جمعی است. می‌توان گفت «دین و ایمان، باطن هر تمدنی است و گویی روحی در کالبد سازمان اجتماعی است»؛ یعنی تمدن با هر سرزمین و نژادی، سازگار و قابل دوام است، اما در سرزمینی که ارکان مادی و معنوی تمدن هماهنگ باشد، توسعه و دوام تمدن آسان‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که خواهان تمدن و اعتلای آن است، باید در گام اول، به استقرار یک نظام ارزشی دست یابد که بیانگر معیارهای خوب و بدیعی است؛ زیرا تمدن محصول فکر فردی یا ملتی خاص نیست، بلکه زیربنای آن، عقیده مشترک مردم است.

شهرنشینی: با توجه به نقش دو عامل وحدت و امنیت در ایجاد تمدن و تداوم مدنیت، شهرنشینی از مؤلفه‌های تمدن به شمار می‌رود. هنگامی که جامعه، روحیه شهرنشینی پیدا نکند، وحدت و تمدن ایجاد نمی‌شود؛ زیرا تمدن نتیجه «عصبیت» و فعالیت‌های نیروی

انسانی شهرنشین است؛ یعنی امنیت، وحدت و تمدن، فقط در زندگی شهری قابل تحقق است.

قانون مداری: نقش قانون و قانون مداری در زایش و اعتلای تمدن، بسیار برجسته است. قانون بسان خون در رگ‌های جامعه است. استحکام جامعه و ماندگاری تمدن در گرو قانون مطلوب و وفاداری آحاد جامع به آن است. در غیر این صورت، اجتماعی شکل نمی‌گیرد تا تمدنی ایجاد شود.

حکومت: منظور از حکومت، نهادها، تأسیسات و سازمان‌هایی است که به استناد قانون برای اداره کشور پدید می‌آیند. نقش رهبری در رأس نهادهای حکومتی، بسیار برجسته است. وجود قانون و حکومت، شرط لازم نظم اجتماعی و تمدن‌سازی است، اما کافی نیست. زمانی جامعه سامان می‌یابد و به تمدن مطلوب می‌رسد که از رهبری آگاه و پای‌بند به اصول جامعه برخوردار باشد تا مردم با تعاون بر محور او، حرکت تکاملی‌شان را آغاز کنند. حاکمیت (اقتدار) شرط لازم اثرگذاری نهادهای حکومتی در پیدایش و اعتلای تمدن است؛ زیرا فقط حکومت مقتدر می‌تواند با ایجاد فرصت‌های تمدن‌ساز، چالش‌های برونی و درونی تهدیدکننده تمدن و فرهنگ را برطرف سازد. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۵)

قدرت، امنیت، سیاست: هیچ تمدنی در سایه ناامنی و بدون وجود قدرت و سیاست شکل نگرفته است.

ثروت و مکنّت: بدون داشتن قدرت اقتصادی، تمدن ساخته نمی‌شود. در مناطق فقیر، تمدن‌های غنی شکل نمی‌گیرد. تمدن، دست‌آورد دوران رونق و شکوفایی اقتصادی است. رابطه تمدن با تولید علم: هیچ تمدنی بدون علم ساخته نشده است.

توسعه و تقویت دانش: توسعه و تقویت دانش، رشد و توسعه را به دنبال دارد. علم نوعی اقتدار درونی و بیرونی پدید می‌آورد که دنباله آن، رشد و شکوفایی است. صاحب فن‌آوری بودن، نوعی سلطانی و سروری را در بین دیگر جوامع پدید خواهد آورد که یکی از مؤلفه‌های اثرگذار تمدنی است.

هنر و کارکردهای هنری: برخی کشورها یا دولت‌ها، الگوی هنری برتر را برای جهانیان ارائه می‌کنند و بر دیگر ملل تسلط پیدا می‌کنند و سبک زندگی آن‌ها الگوی غالبی می‌شود که جوانان در دیگر کشورها از آن استفاده کنند.

برخورداری از منابع: دارا بودن منابع زمینی و زیرزمینی و دیگر ذخایر نهفته در زمین می‌تواند

یکی دیگر از مؤلفه‌ها باشد.

موقعیت جغرافیایی: برخورداری از یک موقعیت سوق‌الجیشی و راهبردی از دیگر مؤلفه‌هاست.

مؤلفه‌های اقتصادی - رفاهی: گسترش وسایل ارتباطی، عدالت در توزیع درآمد، عدالت اجتماعی، پرداختن به فعالیت‌های حیاتی اقتصادی، تقسیم کار اجتماعی و تخصص‌گرایی، وجود نظام ارتباطی تعاملی، عدالت به معنای قرارداد هر چیز در جای خویش و رعایت اهلیت و استحقاق و مراتب، عدالت به معنای راستی و راست‌کرداری، سخت‌کوشی و جهاد، سرمایه‌گذاری در ایجاد صنایع و کارخانه‌های جدید، ایجاد رفاه عمومی، عدالت بین نسلی منابع طبیعی، دوری از تنبلی و داشتن روحیه کار و تلاش.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی: فراهم آوردن زمینه هم‌بستگی اجتماعی و تحقق مشارکت مردمی، نیازهای اساسی (خوراک، پوشاک، مسکن)، تثبیت امنیت و نظم، وحدت و تعاون اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی پایدار مبتنی بر باورهای مشترک، رسیدگی مکفی به ضروریات جسم انسان، مبارزه با فساد اجتماعی، وجود نظارت بر رفتار اجتماعی و تنظیم و کنترل آن، آزادی مطبوعات برای نشر حقیقت و امور نافع به حال ملت، توجه به رابطه انسان با انسان (مسئولیت‌پذیری)، حس مقاومت در برابر مفاصل اجتماعی و فسادگری‌ها، گرایش به نوآوری، بهداشت، سلامت و تقویت جسم، پرهیز از فردگرایی در باره شریعت و قانون، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نظایر آن.

مؤلفه‌های سیاسی - حکمرانی: کارآمدی دولت در انجام وظایف، برخورداری از رهبری حکیم و فقیه در جامعه (ولایت مطلق فقیه جامع‌الشرایط)، حکومت کارآمد و کارا، سیاست‌ورزی از مجرای قانون‌گذاری مبتنی بر شریعت، وجود قانون‌گذار و اجراکننده عدالت، لزوم رسیدن به کار متظلمان، عدالت در حوزه قضا و به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات، اقامه حدود شرعی و اجرای احکام توسط رئیس جامعه (حاکم شرع)، جلوگیری از تعدی انسان‌ها به حقوق یکدیگر، توجه به رابطه انسان با انسان، قانون‌مندی جامعه و وجود دولت به‌عنوان مجری قانون، استقلال سیاسی، اجرای قوانین اسلامی، لزوم تشکیل حکومت اسلامی در جامعه، رعایت حقوق دیگران به‌عنوان تکلیف، حاکمیت قانون، جلوگیری از کفران نعمت در بهره‌برداری از طبیعت، آزادی و مشارکت مردمی، استقلال و نفی هر نوع وابستگی به بیگانه، توجه به محیط زیست در تولید، توجه به محیط زیست برای بهره‌مندی نسل‌های آینده، توجه

به حفظ محیط زیست و توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی کشور، مقابله با جهل و بی‌قانونی. مؤلفه‌های مذهبی - اخلاقی: پای بندی به تقوای الهی، تعالی شناخت و آگاهی انسانی، اعتقاد به مبدأ آفرینش و منتهای آفرینش، تصفیه نفس انسان مبتنی بر اعتقاد به معاد، مبارزه با تفکر دنیاگریزی و بی‌اعتنایی نسبت به دنیا، محبت و شفقت و یاری رساندن به یکدیگر، تطهیر و تهذیب نفوس مردم از اخلاق و عادات مذموم و مہلک و هدایت آنان به اخلاق ممدوح و پسندیده، تأکید بر اخلاق به عنوان بخشی از حکمت عملی، لزوم انس با خدا برای رسیدن به جایگاه انسان کامل، دوری از شهوات و گناهان برای کشف حقایق هستی، التزام به فرائض و نوافل، مهربانی با خلق خداوند، تربیت اسلامی در خانه، رعایت حقوق دیگران به عنوان تکلیف، احسان و خدمت کردن به صورت فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی، اخلاقی و تربیتی، ارشاد و راهنمایی، عفاف جنسی، گرایش به خیر و فضیلت (اخلاق)، گرایش به پرستش، رشد اخلاقی و تزکیه نفس، احترام متقابل به امانت‌های یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر برای رشد حقوقی و نظارت بر حسن اجرای قوانین دینی و الهی، رشد اخلاق و معنویت و عواطف انسانی (ترویج عواطف و محبت در انسان‌ها)، بسط توحید، اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد در بدنه زندگی بشر، توجه به معاد و محاسبه اخروی، تحکیم مبانی خانواده و نفی نگاه ابزاری به زن.

مؤلفه‌های علمی - آموزشی: رشد فکری و معرفتی جامعه و مبارزه با جهالت‌ها، کار با علم کردن و عمل نیکو انجام دادن، آگاهی دادن و تعلیم مردم، مجهز شدن به علوم و فنون جدید، لزوم کسب علوم روز، لزوم دریافت تکنولوژی غربی در زمینه علوم تجربی، تربیت اسلامی در مدارس، گرایش به حقیقت‌جویی (دانایی)، لزوم تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده بگیرند، لزوم رشد علوم تجربی، ارتقای توانایی علمی دانشگاه‌ها، درک و استفاده از روش‌های علمی و فنی و بهره‌مندی از فن‌آوری، فراگیری، تحصیل، تحقیق و آموزش فرآیند صحیح صنعتی، آموزش نیروی انسانی و ارتقای سطح سواد، آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار، ارتقای توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور، افزایش خلاقیت، مهارت حل مسئله، مهارت تصمیم‌گیری و نقادی (صادقی شاهدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۳).

۵. تمدن از دیدگاه قرآن

برخی اساساً تمدن را مفهومی ذهنی یا تعریف‌ناپذیر و زائیده بافته‌های فلاسفه در طول تاریخ می‌دانند و برخی دیگر در نگاهی تک‌ساحتی یا چندبعدی، تنها به جنبه‌های مادی و

سخت‌افزاری تمدن توجه می‌کردند. اکنون در چند عنوان، نمای کلی ارکان تمدن از منظر قرآن کریم را بیان می‌کنیم:

الف) علم و فرهنگ: علم، اساسی‌ترین رکن و لایه تمدن از مهم‌ترین دست‌آورد انبیای الهی و فرهنگ نیز در ابعاد مختلف آن، فرآیند بعثت آنان بوده است. علم در عرصه تمدن از ریشه وحی آغاز می‌شود. تمام انبیای الهی از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، داوود، سلیمان، ادريس و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دست‌آوردی مهم و زیربنایی به نام علم وحی و علم الهی برای بشریت داشته و به تناسب درک و کشش انسان‌ها و مقتضای زمان خود، به ترویج انواع علوم در عصر خویش پرداخته‌اند. اصولاً یکی از ابزارهای کاربردی آن‌ها تعلیم بوده و قرآن نیز پیامبران را معلم معرفی کرده است:

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا﴾. (بقره: ۱۲۹)

ب) نظم: یعنی آراستگی و قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود، به گونه‌ای که پیوستگی و هماهنگی ایجاد شده باشد. این در حالی است که پادشاهان، هنرشان در جنگ و فتوحات و خون‌ریزی، وحشت و قتل و غارت نمایان شده است:

﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَبَ أَهْلِهَا أَذْلَهُ﴾. (نمل: ۳۴)

ج) تعاون و همکاری و وحدت: پیامبران الهی در مسیری گام گذاشتند که به وحدت جامعه و همکاری انسان‌ها بینجامد. عنصر تعاون در پیشرفت تمدن‌ها، نقش عظیمی را ایفا کرده است. قرآن به صراحت، انسان‌ها را به وحدت و یک‌دلی و اطاعت از حاکمان الهی فرامی‌خواند و در سایه آن، مردم را از پراکندگی نهی می‌کند تا به پیشرفت و تعالی برسند:

﴿اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

د) آزادی: قوانینی که خداوند برای انسان در نظر گرفته، برای آزادی آنان زمینه مناسب و امنیت لازم را کرده است. انبیای الهی با تعالیم انسان‌ساز خود، مفهوم متعادل و متناسب از آزادی را برای بشریت به ارمغان آورده‌اند. موسی، ابراهیم، نوح، عیسی و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای تحقق آزادی انسان از یوغ سرکشی و بردگی کوشیده‌اند.

۶. مفهوم زمینه‌سازی ظهور

حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از

روایات انتظار (افضل الاعمال انتظار الفرج، افضل جهاد امتی انتظار الفرج) نیازی نیست. علاوه بر این‌ها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه) از واژه «یوطئون» از مصدر «وطا»، به معنای زمینه‌سازی استفاده شده است. زمینه‌سازی در لغت فارسی به معنای مقدمه‌چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است، اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وطا»، نه هر زمینه‌سازی، بلکه زمینه‌های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است. ظهور در اینجا در برابر غیبت، به معنای آشکار شدن امام است (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۲۰)

۷. امکان زمینه‌سازی (نقش انسان‌ها در زمینه‌سازی ظهور)

آیا اصولاً زمینه‌سازی برای ظهور و تسریع در آن و جلو انداختن فرج امام عصر علیه السلام امکان دارد یا اینکه فرج حضرت هم چون پدیده قیامت، امری است که تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آنان در تسریع و تأخیر آن تأثیر ندارد؟ مبانی کلامی و بسیاری از آیات و روایات که به برخی از آن‌ها اشاره شد، به وضوح بر تأثیر انسان‌ها در تحول وضعیت خود و تغییر جوامع دلالت دارند. از این رو، می‌توان ادعا کرد ظهور، امری تحصیلی و نه حصولی است. به عبارت روشن‌تر، تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آن‌ها در تحقق ظهور، مسئله‌ای اثرگذار است و هرچه تلاش بیشتر و آمادگی زودتری به دست آید، ظهور نیز زودتر رخ می‌دهد، نه آن‌که هرگز تلاشگری و تلاش نکردن انسان‌ها در ظهور اثرگذار باشد که در زمانی معین و بدون دخالت و تلاش انسان‌ها، اتفاق خواهد افتاد. از این رو، نه تنها زمینه‌سازی ظهور امکان دارد، بلکه شیعیان در تعجیل و تحقق آن تأثیری اساسی و بی‌بدیل داند و به آن مکلفند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ (رعد: ۱۱)

همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنان آن‌چه را در خودشان هست، تغییر دهند.

۸. تکامل تفکر بشری در عصر انتظار

انسان‌ها با وجود انحرافات فکری در دوره‌های مختلف تاریخی، شناخت تکامل یافته‌تری از جهان اطراف خویش داشتند. از این رو، همواره تفکر بشری در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدید سیر کرده است. در عصر کنونی، با وجود آفات و انحرافات فکری، نسبت به گذشته، فرصت شناخت بیشتری درباره جهان است. رشد و پیشرفت علوم، با کشف

عرصه‌های جدید دانش، در موارد بسیاری، مؤید آموزه‌های اعتقادی - دینی است و انسان‌ها از راه سیر آفاقی، به عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الهی پی برده‌اند. دانش بشری، افق‌های بسیار گسترده و عظیمی را فتح کرده، اما چنان‌که در روایات ملاحم نیز آمده است، علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیشرفت شگرفی خواهد داشت و فهم و آگاهی انسان‌ها نیز فزونی خواهد یافت. در روایتی تأکید شده است که هنگام ظهور، آن حضرت دست خویش را بر سر انسان‌ها خواهد نهاد و فهم و آگاهی آن‌ها تکامل خواهد یافت. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری درباره ظهور می‌فرماید:

علم، ۲۷ قسم است که مردمان تنها به دو جزء آن پی برده‌اند و در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام ۲۵ جزء دیگر نیز به دست آن حضرت تحقق خواهد یافت. بدون تردید، علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت، تحقق نیافتن شرایط و لوازمی از قبیل آمادگی فکری و زمینه پذیرش عمومی است. تحقق حکومت آن حضرت مستلزم آمادگی پذیرش عمومی است و تا زمانی که انسان‌ها به چنین فکر و آمادگی نرسند، شرایط فراهم نمی‌گردد. در واقع، انسان‌ها با پی بردن به نقص مکاتب بشری دست به دامان وحی می‌شوند و آن را طلب می‌کنند و در چنین روزی فتح و پیروزی محقق می‌گردد. (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۸)

۹. تمدن زمینه‌ساز

تمدن زمینه‌ساز، تمدنی است که اعضای آن، وظایفی را که نسبت به تمدن (تمدن دینی) دارند، به بهترین شکل انجام می‌دهند و از سوی دیگر، در انجام وظایفی که نسبت به امام خود بر عهده دارند، می‌کوشند. گفتنی است اگر زمینه‌سازی به معنای انجام مسئولیت‌های دینی تفسیر می‌شود، باید در نظر داشت که عمل به تکالیف دینی باید در نسبتی خاص با امام زمان علیه السلام قرار گیرد و با این توجه همراه باشد که همه اینها، مسیر را برای بسط ید او و نافذ شدن امرش مهیا می‌کند (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۲).

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، تمدن زمینه‌ساز یعنی «ایجاد تمدن اسلامی». معنای این تمدن چیست؟ «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

مقام معظم رهبری در ادامه خطاب به جامعه اسلامی می‌فرمایند:

شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنافداه) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰)

پرسش این جاست که این تمدن اسلامی با جامعه مهدوی در زمان ظهور امام عصر علیه السلام چه نسبتی دارد؟ مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنافداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

باید توجه داشت که تمدن اسلامی، امر مطلق نیست. فرآیندی طولانی و نسبی است که اهداف آن نیز به صورت نسبی محقق می‌شود:

فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی، انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آن‌ها بسیار طولانی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۲۱)

بنابراین، تمدن اسلامی دو بخش دارد؛ بخشی که قبل از ظهور امکان تحقق دارد و زمینه‌ساز ایجاد جامعه مهدوی و ظهور حضرت حجت علیه السلام است و بخشی که پس از ظهور محقق می‌شود و حدّ اعلای تمدن اسلامی است، چنان‌که ایشان خطاب به شیعیان می‌فرمایند: شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰)

با این توضیح از مقام معظم رهبری مشخص می‌شود که بزرگ‌ترین وظیفه منتظران در دوران غیبت، خودسازی و آمادگی برای یاری حضرت و دنبال کردن اهداف حکومت ایشان از راه ایجاد «تمدن اسلامی» است.

۱۰. مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱. اسلام و معارف اسلامی

مقام معظم رهبری، اسلام را نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی می‌داند و هدف اعلای اسلام را ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی معرفی می‌کند. به برکت تعالیم اسلامی، تمدن

اسلامی در فقیرترین و عقب مانده‌ترین نقطه دنیا، ظهور کرد و هنوز بیش از دو قرن از عمر آن نگذشته بود که قله تمدن بشری، به پیشرفت‌هایی ویژه‌ای دست یافت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد، آن وقت، فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۵/۲۸)

مقام معظم رهبری بر این باور است که طراحی الگوی اسلامی، ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. ایشان می‌فرمایند:

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد، اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستیِ مهربانانه مردم با یکدیگر، این خصوصیات نظام اسلامی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰)

در ادامه باید یادآور شد که معظم‌له بر این موضوع تأکید دارند که تبیین فرهنگ زندگی در تمدن اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) باید به شکل مطلوب اسلام تحقق یابد و اسلام بن‌مایه‌های این فرهنگ را که خردورزی، اخلاق و حقوق است، در اختیارمان قرار داده است:

... راه، راه اسلام است، راه خداست. اگر می‌خواهید این کشور کهن، این کشور پربرکت، این مهد تمدن و فرهنگ به جای حقیقی خود (زمینه‌سازی ظهور) برسد و برای کشورهای دیگر الگو شود، باید راه اسلام و تمسک به اسلام را هرگز از یاد نبرید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۶)

و:

ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم که یک الگوی اسلامی است، از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد، یک الگوی مستقل. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۵/۱۵)

۲. حرکت علمی (پیشرفت یا مرجعیت علمی و شکستن مرزهای دانش)

مقام معظم رهبری، علم را پایه تمدن و از لوازم تمدن‌سازی می‌پندارد و معتقد است تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی پدید آمد که از روز اول در اسلام شروع شد، به گونه‌ای که هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی در آن محیط به وجود آمد. همچنین مقام معظم رهبری، امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق را هدف نهایی مسلمانان می‌داند.

رهبر معظم انقلاب، هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارد که از دو بخش ابزاری و متنی، اصلی و اساسی تشکیل شده که بخش ابزاری آن عبارت از علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ است. معظم‌له از بخش اول به عنوان بخش سخت‌افزاری تمدن یاد می‌کند.

در جهت تمدن‌سازی، محاسباتی وجود دارد. وقتی ملتی با محاسبه درست و با یافتن نقطه صحیح، کار را پیش می‌برد، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. «ساخت درونی نظام»، یکی از این ملزومات است که باید استحکام پیدا کند و دیگری «علم» است که باید رشد یابد؛ یعنی استعداد های بومی کشور پرورش پیدا کند که این‌ها پایه اصلی تمدن‌سازی به شمار می‌رود. همچنین مقام معظم رهبری اعتقاد دارد قطعاً با تکیه بر دانش خود، در تمدن‌سازی اسلامی، به نتایج ملموسی دست خواهیم یافت.

مقام معظم رهبری، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه را در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فن‌آوری و فرهنگ می‌داند. معظم‌له با نگاه تیزبین خود، وجه علم را برای شکوفایی تمدن لازم می‌داند و معتقد است تمدن اسلامی می‌تواند با شاخص‌هایی نظیر علم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی به بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای باشد که ارکان تمدن امروزی غرب هستند.

۳. معنویت (تحول روحی و معنوی)

به باور مقام معظم رهبری، معنویت جزو بافت اصلی در تشکیل تمدن اسلامی است. این پدیده، بسیار مهم و نیاز بشریت است که تاکنون از آن استقبال شده است و در آینده بیشتر هم خواهد شد. نظامی که براساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن باشد. ایشان در تبیین این نظام می‌فرمایند:

معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گم‌شده از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه قدرت مند قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برگردد. (مقام معظم رهبری، ۸۵/۷/۲۵)

در تمدن اسلامی که عنصر معنوی در آن رشد یافته است، باید توجه به آخرت رایج شود و آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، یعنی «ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت» با هم

خود را نشان دهد. در اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی، معنویت جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که آن را روح همه عناصر تشکیل دهنده تمدن اسلامی می‌داند. ایشان معتقد است راهبری این الگو باید طوری تنظیم شود که در نتیجه آن، جامعه اسلامی به سمت معنویت بیشتری گشایند؛ چون معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد. معظم‌له در تبیین این موضوع چنین می‌فرماید:

دنیایی که در آن، علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۱۰/۹/۸۹)

مقام معظم رهبری، پیشرفت در این حوزه را چنین تبیین می‌کنند:

پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال، یعنی جنبه معنوی، جنبه الهی. این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهایی ماست: تقرب به خدا. هم دنیا در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم آخرت. (مقام معظم رهبری، ۱۹/۷/۱۳۹۱)

مقام معظم رهبری، شاخص اصلی و عمومی تمدن درخشان اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. (مقام معظم رهبری، ۱۹/۹/۹۲)

۴. جامعه ایمانی (ایمان و اعتقاد به خدا و احکام الهی)

در صدر اسلام، پیامبر اعظم ﷺ و صحابه ایشان توانستند با اتکا به خدا، تمدنی بزرگ و تاریخی را پایه‌گذاری کنند. ایمان به آن‌ها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. معظم‌له معتقد است به شرط داشتن ایمان می‌توانیم به چنین تمدن و اعتلایی در جهان امروزی دست بیابیم و این امر برای ایجاد یک تمدن، لازم و ضروری است.

مقام معظم رهبری، ایمان به خدا، ایمان به دین، ایمان به مقدسات و ایمان به غیب را از ارزش‌های تمدن اسلامی برمی‌شمارد و این مؤلفه‌ها را تضمین‌کننده سعادت و صلاح و فلاح یک جامعه اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) می‌داند. به نظر ایشان، علم پایه تمدن است، اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست؛ چون نتیجه علم منهای ایمان، چیزی می‌شود که امروز در دنیا، به ویژه غرب دیده می‌شود.

مقام معظم رهبری، ایمان را یکی از نیازهای اساسی تمدن‌سازی اسلامی جدید می‌داند و بر این باور است که ملت داعیه‌دار تمدن‌سازی نمی‌تواند بدون ایدئولوژی حرکت کند و تمدن‌سازی کند. در نتیجه، بدون داشتن مکتب، فکر و ایمان و هزینه پرداختن برای آن، تمدن‌سازی امکان ندارد. همچنین معظم‌له از این بخش به عنوان سلوک عملی یاد می‌کند و نقش ایمان را در تمدن‌سازی اسلامی چنین تبیین می‌فرماید:

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن‌کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۲/۹)

۵. ایستادگی و مقاومت

مقام معظم رهبری، در حوزه تمدن‌سازی اسلامی، جوهر ایستادگی و مقاومت یک ملت را نفیس و گران‌قدر می‌پندارد و بر این اعتقاد است که ملت ایران با همین جوهر به فضل پروردگار و با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی حضرت حجت علیه السلام خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برپا سازد. مقام معظم رهبری، برای بنای یک تمدن جدید و بزرگ اسلامی، پایه‌هایی در نظر می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین این پایه‌ها، ایستادگی و مقاومت است. این همان چیزی است که نظر ملت‌ها را جذب می‌کند، باعث مجذوب شدن آن‌ها می‌شود و تحسین آن‌ها را نیز به دنبال دارد.

۶. نیروی انسانی و جمعیت

مقام معظم رهبری، فکر و نیروی انسانی را تمدن‌ساز می‌پندارد و در این باره می‌فرماید:

برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند. ثانیاً ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد. این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است. این تمدن‌ساز است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۵)

۷. مجاهدت و جهاد مداوم

مقام معظم رهبری، ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه را از شرط‌های تحقق تمدن اسلامی می‌داند. همچنین ایشان معتقد است که اسلام به مسلمانان درسی داد که نتیجه آن، درخشش

معنوی و مادی است و آن را درس مجاهدت خالصانه می‌داند:

بعضی کسان از اسم جهاد می‌رمند، خیال می‌کنند که تأسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها با جهاد نمی‌سازد و جهاد ضد اینهاست. بدون جهاد هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید، نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی‌رسد و امت اسلامی باید سختی‌هایی را تحمل کند تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد. (مقام معظم رهبری، ۸۵/۵/۳۰)

مقام معظم رهبری درباره فلسفه جهاد و اهمیت آن به عنوان یکی از عناصر تمدن ساز می‌فرمایند:

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

۸. عقلانیت

مقام معظم رهبری، عقلانیت را یکی از پایه‌های ایجاد تمدن اسلامی جدید و امت واحده اسلامی می‌داند؛ زیرا هدف نهایی این است که تمدن اسلامی جدید باید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق ایجاد شود. مقام معظم رهبری در تبیین این مؤلفه می‌فرمایند:

نوگرایی و عقلانیت، ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

۹. نیروهای مسلح

مقام معظم رهبری، نقش مردان مسلح را در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی ایران و نظام اسلامی نوین که زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است، اساسی می‌داند. همچنین در تبیین اهمیت نیروهای مسلح کشور بر این باور است که وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون این‌که گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است و دشمنان را سر جای خودشان می‌نشاند. ایشان در این باره می‌فرماید:

نیروهای مسلح، نوک پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی و اسلامی در مقابله با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲۸)

۱۰. قانون اساسی

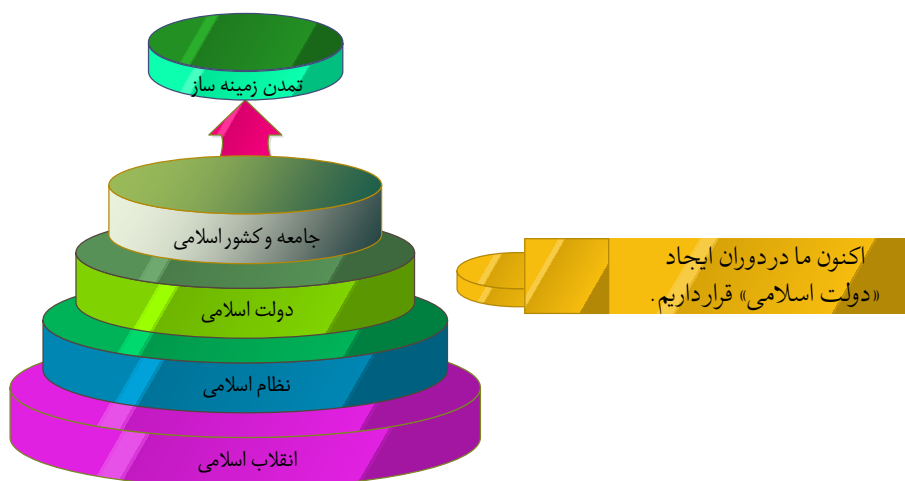
مقام معظم رهبری، خواست عمومی ملت‌ها را بازگشت به اسلام می‌داند. ایشان در تحلیل این مؤلفه یادآوری می‌کند اگر انقلابی واقعی بماند و دچار استحاله و توطئه نشود، مسئله اصلی

چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود که این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی در عصر جدید است. ایشان در تبیین این موضوع که حضرت امام خمینی علیه السلام از ابتدا چگونه پایه‌های نظام را مستحکم کرد، می‌فرمایند:

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام، خیرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی با انتخاب ملت این کار را انجام دادند... به عهده ملت گذاشته شد. ملت، خیرگانی را با شناسایی خود با معرفت خود انتخاب کردند و آن‌ها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این‌جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که براساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴)

۱۱. فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی (زمینه‌ساز) از دیدگاه مقام معظم رهبری

فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی، براساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، شامل وقوع «انقلاب اسلامی»، تشکیل «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه و کشور اسلامی» و سپس ایجاد «تمدن اسلامی» می‌شود که اکنون در دوران ایجاد «دولت اسلامی» قرار داریم. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۴)



فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱۲. وعده اسلام به جهانی‌سازی (تمدن اسلامی) در آینده تاریخ

وعده به جهانی‌سازی در آینده تاریخ، از ویژگی‌های تعالیم اسلامی به شمار می‌رود. این حقیقتی است که بشر با همه تضادها، جنگ‌ها و ناسازگاری‌های طول تاریخ، سرانجام در دگرگونی‌های خدایی و انقلابی مردمی، به یگانگی و برادری انسانی، یکپارچگی جغرافیایی، وحدت مردمی و مسلکی، یکسانی نظام حقوقی و اقتصادی، وحدت مدیریتی و سیاسی خواهد رسید. همچنین با پشت سر افکندن دوران بیگانگی‌ها و دوری‌ها، جهانی‌سازی با معیارهای صددرصد انسانی در عینیت جامعه، شکل خواهد گرفت. همه انسان‌ها بی‌هراس از هرگونه سلطه و تحمیلی، در آغوش انسان‌های دیگر آرام خواهند گرفت. این وعده راست، در دوران جهانی‌سازی عدل مهدوی است. قرن‌ها پیش، خطوط کلی این جهانی‌سازی، روشن و مشخص شده و از آغاز دعوت جهانی اسلام به این جهانی‌سازی، اشارت‌هایی بسیار گویا و صریح رفته است. رهبران اسلام نیز از چگونگی‌های آن سخن گفته‌اند.

در جهانی‌سازی مهدوی، معیارها، اصول، اهداف و انگیزه‌ها بر پایه انسان‌گرایی، حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والای اخلاقی استوار است و کمترین رنگی از برتری نژادی، منافع مادی، سلطه‌طلبی و خودکامی گروهی وجود ندارد، بلکه در سراسر جهان، رفاه انسانی، رشد عقل و دانش انسانی، بسندگی و رفاه همگانی و فراگیر و عدالتی گسترده در همه بخش‌های زندگی پدید خواهد آمد. این جهانی‌سازی با جهانی‌سازی‌های مورد نظر نظریه پردازان جامعه‌های سرمایه‌داری، تفاوت ماهوی دارد.

منابع اسلامی درباره آینده تاریخ بر دو محور بسیار روشن تأکید کرده‌اند که شاید بیشترین تعبیرها درباره این دو محور بوده است: عدالت و گسترش آن در سراسر جهان. آن‌چه ضرورت وجود مهدی موعود علیه السلام را مدلل می‌دارد، در قالب عنوان‌های زیر بررسی می‌شود:

- نومی‌انسان از نتایج دانش و فن‌آوری؛
- سودجویی و تأمین منافع اقتصادی، انگیزه اساسی بیشتر زمام‌داران حاکم در جهان؛
- رسوخ و اشاعه ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، قبیله‌گرایی و مانند این‌ها؛
- ضعف اخلاقی وجودی، انگیزه اساسی در رفتار گروه بسیاری از مردم جهان؛
- تزلزل مناسبات انسانی در جامعه بشری؛
- گسترش ظلم و بی‌عدالتی در جامعه بشری؛
- توجه گروهی از اندیش‌ورزان به لزوم تقویت ارزش‌های معنوی؛

- حضور و ظهور مهدی علیه السلام بیان‌کننده الطاف الهی و نقش آفریدگار جهان در هدایت بشر است.

بی‌تردید، در این زمینه، دلایل دیگری را نیز می‌توان ارائه داد. تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه، از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام است. در آن دوران و به دست آن امام، آرمان والای تشکیل تمدن بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده می‌شود.

بخش بزرگ تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها در کل جامعه بشری از حکومت‌ها و درون کاخ‌ها و پشتوانه‌های آنان یعنی سرمایه‌داران سرچشمه می‌گیرد و به دست آلوده و نیرنگ باز دولت‌ها و حکم‌فرمایان در میان انسان‌ها گسترش می‌یابد. توده‌های مردم، در درون خود با گرایش‌های طبیعی‌شان، نوع‌دوست و مهربانند و چنین تضادها، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌هایی را بر سر منافع مادی روا نمی‌دارند، به‌ویژه اگر درست تربیت شوند و ذهنیت‌ها و اندیشه‌های انحرافی در آن‌ها راه نیابد. کژی‌ها، پرخاش‌گری‌ها و خون‌ریزی‌ها، با تحریک دولت‌ها و به دست حکومت‌گران و قطب‌های اقتصادی انجام می‌گیرد. قطب‌های اقتصادی نیز برای گسترش قدرت و استواری بیشتر پایه‌های حکومت خود به جلب و جذب منافع بیشتر دست می‌یابند و تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار، توده‌های انسانی را به ناسازگاری و درگیری وا می‌دارند و رویاروی یکدیگر قرار می‌دهند. عامل اصلی تضاد، جنگ و ظلم در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماع‌ها، نژادها و منطقه‌ها نابود می‌شود، انسان‌ها از بیم فشار سیاست‌ها به آغوش یکدیگر باز می‌گردند و مهربان و برادروار در کنار هم زندگی می‌کنند، مناطق مرفه به مناطق محروم می‌رسند، به استثمار حق محرومان و استعمار کشورهای ضعیف نمی‌پردازند و به معنای واقعی کلمه، امت و خانواده‌ای از کل اجتماعات بشر تشکیل می‌شود.

از نظر اسلام و در باورهای حتمی و تردیدناپذیر، پایان تاریخ برای مسلمانان، زمان تحقق وعده خداوند به بشر مظلوم و وفای او به وعده‌هایش است؛ نه آن‌چنان‌که قلم به دستان مزدور، طراحان مأمور و آینده‌نگران دروغین می‌گویند. آنان بدترین، فاسدترین، ضد ارزش‌ترین و نائنسان‌ترین نظام‌های کنونی را «پایان تاریخ» می‌نامند و جامعه‌های از بنیاد فاسد سرمایه‌داری را آرمان‌نهایی انسان‌ها می‌شمارند. به راستی که چنین نیست! اگر پایان تاریخ،

چنین جامعه‌هایی باشد و چنین فجایی هستی‌سوز (خودکامگی‌های سرمایه‌داری امریکا) در انتظار بشر باشد، جا دارد انسان‌ها در یک روز بزرگ گرد آیند و دست به خودسوزی و خودنابودی دسته‌جمعی بزنند تا چنین فرجام ضدبشری را نبینند و نظاره‌گر این همه نیرنگ، دروغ و حق‌کشی و قلدرمآبی نباشند. خداوند بزرگ بر بافته‌های این نابخردان، خط بطلان کشیده و چنین وعده داده است:

﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (حسینیان، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹)

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

۱۳. تمدن اسلامی تنها تمدن جهانی

تمدن اسلامی، تمدنی جاودانه است که قدرت بقا و برآوردن نیازهای امروز را هم به اعتبار منابع حیاتی خویش و هم به اتکای رهیافت‌های عقلانی انسان دارد. مهم آن است که برای فهم درست دین و تمدن جهانی شده، این توانایی‌ها را هم به خوبی بتوانیم دریابیم و هم از آن آفات درونی و بیرونی دین، به درستی آگاه شویم. انگیزه کلی دعوت‌گران غرب و نظام سرمایه‌داری که خاستگاهی سودطلبانه دارد، بر منافع و رشد روزافزون سرمایه‌داری جهانی استوار است که جز به خود و جبهه‌شان به چیزی نمی‌اندیشد. غرب همواره از مقدس‌ترین شعارها و آرمان‌ها سوءاستفاده می‌کند و جنگ طلبی را «صلح‌دوستی» و نابود کردن انسان‌ها را «حقوق بشر» می‌نامد و بردگی کشیدن را «آزادی» و «آزادسازی» نام می‌گذارد. حتی مؤسسات جهانی همچون بانک جهانی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی را برای گسترش سلطه روزافزون خویش تشکیل می‌دهد. بدین سان، دیگر شعارها و آرمان‌های زیبا و انسانی، واژگونه و از محتوا تهی می‌گردد و از جهانی‌سازی نیز مفهومی ضد آن اراده می‌شود، یعنی «جهانی» می‌گویند، ولی منظور آنان، سلطه بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است.

در مقابل، انسان‌های صادق و عدالت‌خواه نیز منادی جهانی شدن هستند؛ زیرا از این همه فاصله‌ها، تبعیض‌ها، بلوک‌بندی‌ها، جهانی‌فرا دست و جهانی‌فرو دست و درگیری‌های میان آنان به ستوه آمده و درصدد چاره دردهای همه انسان‌ها برآمده‌اند. اینان با طرح شعار جهانی‌سازی و مدیریت یگانه برای همه انسان‌ها می‌خواهند تبعیض‌ها را محو کنند و تضادها، درگیری‌ها، سلطه‌طلبی‌ها و سلطه‌پذیری‌ها را به کنار زنند و انسان درمانده را به سرمنزله آرامش و آسایش برسانند. اگر انسان‌ها از زیر سلطه تبلیغات و فرهنگ‌سازی‌های امپریالیستی و

انگیزه‌سازی‌های تحمیلی رهایی یابند، به‌طور طبیعی، به انسان‌های دیگر گرایش دارند و به هم‌نوع خود می‌اندیشند. با رشد فکری، فرهنگی و عقیدتی به‌ویژه ایمان الهی، این گرایش رشد می‌یابد و انسان، انسانی و فراتر از حد و مرزهای جغرافیایی و نژادی فکر می‌کند و کره زمین را خانه انسان‌ها می‌شناسد. سخن امام صادق علیه السلام بهترین تعبیر در این باره و آموزش این معیار والاست:

فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ وَمِيزَتِهِ بِعَقْلِكَ، وَجَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمَعْدَفِ فِيهِ جَمِيعٌ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادَةٌ... الْإِنْسَانُ كَالْمَمْلُوكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَالْمُخَوَّلُ جَمِيعٌ مَا فِيهِ...
(حسینیان، ۱۳۸۶: ۶۸-۶۰)

اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هرچه مورد نیاز بندگان بوده، در آن فراهم آمده است... و انسان همچون مالک این خانه شده که همه آن چه در آن هست، به خواست خدا در اختیار وی قرار گرفته است.

در این تعلیم اسلامی، کره زمین به «بیت» و «خانه» تعبیر شده و انسان به‌طور مطلق از هر نژاد، رنگ، زبان، ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به‌شمار آمده است. این تعبیر، آموزش نگرش‌های فرامنطقه‌ای، فراقاره‌ای و آموزش اصل جهان‌وطنی و جهان‌گرایی با اهداف انسانی است. انسان‌ها در طبیعت سره و زلال خود چنین گرایش‌هایی دارند. این دست انسان‌ها در طول تاریخ فریاد برآوردند و با تأکید بر یگانگی ابنای نوع انسانی و بر یکی بودن خانه انسان‌ها و یک‌سویی حرکت آدمی و برابری حق و حقوق و هم‌سو شدن همه مهرها و عاطفه‌ها اصرار ورزیدند. آنان بر همه عوامل امتیازطلبی، جدایی و بیگانگی از رنگ، زبان، قومیت، فرهنگ، ثروت و فقر، خط سرخ کشیدند و با تمام هستی، سر در راه تشکیل «جهان واحد»، «سیاست یگانه» و «خانواده واحد»، یعنی خانواده انسانی نهادند و «اقتصاد واحد»، «معیشت هم‌سان» و «باورهای همانند» را خواستار شدند. پیامبران الهی از پیش تازان این طرح در اندیشه و عمل بودند. به‌ویژه اسلام که مترقی‌ترین ادیان است، چنین خط مشی کلی را از آغاز برگزید و با تعالیمی استوار و بلند، موضوع جهانی اندیشیدن، جهانی‌سازی و جهان‌وطنی را به همه انسان‌ها آموزش داد. خانواده بشری را خانواده خدایی نامید، مدیریت و رهبری جهانی را از اهداف خویش شمرد و اقتصاد و تجارت جهانی را مطرح کرد. از این‌ها بالاتر انسان را به جهانی‌سازی احساس‌ها و عواطف نیز فراخواند، برابری و برادری انسانی را در میان همه

انسان‌ها و سرزمین‌ها گسترده و مرزهای فاصله‌افکن و بیگانگی را به رسمیت نشناخت. در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد، جنسیت و طبقه‌ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین است:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾ (انعام: ۱۶۵)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد.

این مضمون، دست‌کم در سه آیه دیگر نیز آمده است که رسالت کلی همه افراد انسانی را در زیست‌گاه زمین تبیین می‌کند. پیامبران الهی، راهنمای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند تا در همه ابعاد، مدیران جامعه بشری باشند. این رسالت جهانی و فراگیر درباره پیامبر اسلام ﷺ، با صراحت بیشتری مطرح شده است:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱)

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

از این رو، پیامبر اسلام ﷺ، حکومت‌ها و دولت‌هایی را که میان ملت‌ها فاصله‌افکنده و سرزمین‌ها را میان خود تقسیم کرده‌اند، به رسمیت نمی‌شناسد و همه آنان را به دین، دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرامی‌خواند. به پادشاه ایران و مقوقس، حاکم مصر؛ حارث غسانی، پادشاه حیره؛ حارث عمیری، پادشاه یمن و نجاشی، شاه حبشه نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند. برای تبیین این اصل محوری، بارها واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن به کار رفته است. کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار در قرآن آمده و کلمه «الانسان» نزدیک به ۶۵ بار تکرار شده است که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می‌آید. همچنین در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب‌ها، بسیار روشن است. هم‌چنین قرآن کریم، زمین را خانه همه انسان‌ها بیان می‌کند:

﴿وَالْأَرْضَ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (همان)

و زمین را برای مردم نهاد.

خطاب‌های قرآنی، همه عام، به صورت جمع و به همه بشر است و این نوع واژه‌ها، خانه و خانواده بودن و یگانگی جامعه انسانی را روشن می‌سازد.

پیامبر اکرم ﷺ در دعایی برای ماه مبارک رمضان می‌فرماید:

اللهم اغن كل فقير؛ اللهم اشبع كل جائع؛ اللهم اكس كل عريان؛ اللهم اقض دين كل
 مدين؛ اللهم فرج عن كل مكروب؛ اللهم زد كل غريب؛ اللهم فك كل أسير...؛
 خداوندا، بی‌نیاز کن تمام نیازمندان را؛ خداوندا، سیر کن تمام گرسنگان را؛ خداوندا،
 بیوشان تمام برهنگان را؛ خداوندا، دین هر مدیونی را ادا فرما؛ خداوندا، گشایش ده
 تمام گرفتاری‌ها را؛ خداوندا، هر غریبی را به وطنش بازگردان؛ خداوندا، تمام اسیران
 را آزاد فرما....

در این دعا از خدا می‌خواهد تمام فقیران جهان به رفاه برسند، تمام گرسنگان جهان سیر
 شوند و تمام برهنگان جهان لباس بیوشند. مطالبات جهانی و بشری این دین، با مطالبات
 جهانی تفکر مقابل اشتقاق تئوریک پیدا می‌کند که چنین هم شده است. (همان منبع)

نتیجه‌گیری

در این تحقیق با بررسی بیانات رهبری ۱۲ مولفه زمینه‌سازی ظهور مطرح شد و همچنین در
 راستای ایجاد تمدن زمینه‌ساز ظهور از نظر معظم له ما پس از پشت سر گذاشتن انقلاب اسلامی
 و نظام اسلامی در مرحله شکل دهی دولت اسلامی قرار داریم و تا رسیدن به تمدن زمینه‌ساز
 ظهور باید جامعه و کشور اسلامی شکل دهیم تا زمینه‌سازی ظهور را فراهم نماییم و همچنین با
 بررسی جنبه‌ها و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز براساس منابع دینی و بیانات مقام معظم رهبری
 می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر آن است که رسالت امر امام عصر علیه السلام بر زمین نماند
 و رسالت تمدن زمینه‌ساز، آوردن حق است. به عبارتی، شیعه در عصر غیبت، مکلف به آوردن
 حق و تمدن‌سازی برای ظهور است؛ زیرا خداوند از وعده قطعی خود تخلف نمی‌کند و از
 حجتش چشم نمی‌پوشد. ظهور، مشکل فاعلی ندارد، بلکه مشکل قابلی دارد و رسالت
 منتظران، شکل‌دهی تمدن زمینه‌ساز براساس یک سری از جنبه‌های و مؤلفه‌هایی است که از
 نگاه رهبری به آن‌ها اشاره شد. در اینجا نیز برای تکمیل بحث به جنبه‌ها و مؤلفه‌های سه‌گانه
 معرفتی، عاطفی و رفتاری اشاره می‌شود که بر مبنای تفسیر محققین از مطالب ارائه شده و
 محققین بر این باورند که لازمه هر منتظری برای شکل‌دهی تمدن زمینه‌ساز است:

الف) معرفتی (بینشی)

- معرفت به امام عصر علیه السلام و حق ولایت ایشان
- بینش عمیق نسبت به امام و شناسایی اهداف و مقاصد امام عصر علیه السلام
- شناسایی رضا و سخط امام

ب) عاطفی (گرایشی)

- جلوه‌های محبت به حضرت (مثل دعا و نیایش)
- تولی، تبری، تبرک و تمسک به حضرت به وسیله مؤمنان
- رغبت، شوق و اشتیاق به امام عصر علیه السلام

ج) رفتاری (کنشی)

- رفع حوائج دیگران
- پرهیزکاری و دوری از گناه
- محاسن اخلاق و آراسته شدن به سجایای اخلاقی
- تبعیت و تسلیم در برابر امام عصر علیه السلام
- تکافل و عهده‌دار همدیگر شدن

منابع

- ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۲)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ص ۷۳.
- اخویان، محمد علی (۱۳۹۳). *درآمدی بر تمدن اسلامی - پیدایی، شکوفایی و افول*، چ ۱، قم: دفتر نشر معارف.
- آیتی، نصرالله (۱۳۹۰). «*مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز*»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۴۹-۶۲.
- بیانات در دیدار با پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰.
- بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۹/۲۱
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸.
- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰.
- بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل مختلف دانشجویی، ۱۳۸۵/۷/۲۵.
- بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰.
- بیانات در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶.
- بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴.

- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۱/۶/۲۸.
- بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۵/۱۵.
- بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
- بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
- بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۲/۷/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۱۲/۱۱.
- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
- پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۸۸). «زمینه‌سازی ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره دهم.
- حسینیان، لیلا (۱۳۸۶). «مهدویت، معنویت و جهانی‌شدن»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، ص ۴۵.
- زمخشری، ابوالقاسم، محمد، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م، ص ۱۳۰.
- محمد کاظم مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۱)، بیداری و احیای تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی).
- عرفانی، قاسم (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن و دکترین مهدویت»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، ص ۹۴.
- قنبری، محسن (۱۳۸۶). «وظایف استراتژیک دولت زمینه‌ساز»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، صص ۱۱۹-۱۲۱.
- مجیر شیبانی، نظام الدین (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵.
- مرادیان، امیرحسین (۱۳۹۴)، عناصر قدرت و مؤلفه‌های تمدن‌سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایان‌نامه، دانشگاه آزاد واحد کرج.

- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مهدی صادقی شاهدانی؛ محمد هادی زاهدی وفا؛ مهدی قائمی اصل (۱۳۹۱)، شاخص سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه های تمدن اسلامی و بکارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رشد و توسعه پژوهش های اقتصادی، دوره ۲، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۹۵-۱۱۴.
- ولایتی، اکبر (۱۳۸۳). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶)، نظریه برخورد تمدن ها و ملتدانش، ترجمه گروه مطالعات سیاست خارجه، تهران: وزارت امور خارجه.

